دوفصلنامه علمی ـ تخصصی تاریخ اسلام در آیینه اندیشه‌ها
سال سیزدهم /شماره ۱۹/بهار و تابستان ۱۴۰۰

Bi-quarterly Journal Specialized in Islamic History
Years, ۱۳ No.۱۹, Spring & Summer ۲۰۲۱

بررسی نظام آموزش ابتدایی در دوره‌ی ثبات و آرامش (۱۲۸۳ ـ ۱۳۵۷)

□ احمدبخش اخلاصی *

چکیده

مباحث تئوریک این نوشته را بررسی تاریخی نظام آموزش ابتدایی افغانستان از زمان شکل‌گیری معارف جدید (۱۲۸۳شمسی) تا پایان دوره‌ی ریاست جمهوری سردار محمد داود خان (۱۳۵۷شمسی) دربر می‌گیرد. این دوره‌ی تاریخی را می‌توان به چند دوره مجزّا از هم تقسیم‌بندی کرد؛ ولی از آنجایی که تعلیم و تربیت ابتدایی در این برهه زمانی، کمتر با حوادث و رویدادهای خونبار و اسفبار رو به رو بوده است، از اینرو در یک بازه‌ی زمانی مشترک مورد بررسی قرار گرفته است. البته، تنها موردی که معارف را با چالش و مشکل اساسی گرفتار کرد، دوران حاکمیت نُه ماهه‌ای حبیب‌الله کلکانی بود که خسارات و آسیب‌های شدیدی بر پیکر نوبنیاد معارف کشور وارد کرد و خدمات و فعالیت‌های آموزشی گذشته را به کلی نابود و آثار و پیامدهای خودش را تا سالیان درازی بر تنه ضعیف و شکننده نهاد معارف جدید کشور نشان می‌داد. ناگفته نماند که تعصبات قومی، مذهبی و زبانی و هم‌چنین تفاوت‌های جنسیتی آفت دیگری بود که از همان ابتدا به جان معارف افتاده بود و این دو بلای بنیادکن در طول این سالیان دراز بر معارف کشور سایه افکنده بود و تا هنوز همچنان جولان می‌دهد. با توجه به اینکه محتوای این تحقیق را بررسی آموزش ابتدایی در یک مقطع زمانی خاص تشکیل می‌دهد، بررسی عوامل آسیب‌زا و بنیادکن معارف در یک نوشته جداگانه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

کلید واژگان: نظام آموزشی، تعلیم و تربیت، مکاتب ابتدایی، قوانین.

* کارشناس ارشد تاریخ اسلام جامعه المصطفی ﷺ العالمیه Ab.ramzi۱۳۵۱@gmail.com

مقدمه

بر اساس تحقیقات و مطالعاتی‌که راجع به نظام آموزشی افغانستان انجام گرفته است، نظام آموزشی متأثر از نظام آموزشی سایر کشورها بوده است و به دیگر سخن از نهادهای آموزشی بیگانه الگوبرداری شده بوده است. به همین دلیل نهاد آموزشی کشور در ابتدای تاسیس خود بر اساس نظام آموزشی هند بریتانوی شکل گرفت و بعد از آن، از نظام آموزشی ترکیه الگوبرداری گردید. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که در زمان سلطنت حبیب‌الله‌خان، نظام تعلیم و تربیت هند بریتانوی در کشور حاکم بوده است (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۵۹، ۱۳٤۷) و در زمان سلطنت امان‌الله خان از سیستم آموزشی ترکیه که خود برگرفته از نظام آموزشی فرانسه بوده است، پیروی می‌گردید (رسول، رهین، تاریخ مطبوعات افغانستان از شمس‌النهار تا جمهوریت: ۹۸، ۱۳۸۷). دوران سلطنت ظاهرشاه نیز چنین بود؛ ولی در نیمه دوم سلطنت ظاهر شاه روی نظام آموزشی مطالعاتی صورت گرفت که لابد این مطالعات نیز با تأثیرپذیری از نظام‌های آموزشی سایر کشورها به سیر خود ادامه داد. در مجموع، مباحثی که در این مقال ارائه می‌گردد، بیشتر متمرکز بر همان اجزای شکل‌دهنده نظام آموزشی است که از جمله جمعیت فراگیران، قوانین و تشکیلات آموزشی، منابع انسانی، منابع و امکانات آموزشی، فضای آموزشی، منابع مالی و غیره مورد بحث قرار می‌گیرد.

بر اساس مطالعاتی‌که در زمینه‌ی نظام آموزشی افغانستان انجام گرفته است، در زمان سلطنت حبیب‌الله‌خان، نظام تعلیم و تربیت هند بریتانوی در کشور حاکم بوده است (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۵۹). و در زمان سلطنت امان‌الله خان از سیستم آموزشی ترکیه که خود برگرفته از نظام آموزشی فرانسه بوده است، پیروی می‌گردید (رسول، رهین، همان: ۹۸). ولی در نیمه دوم سلطنت ظاهر شاه نظام آموزشی در افغانستان به صورت نیمه بومی شکل گرفت که آن متأثر از نظام‌های آموزشی بیگانه به سیر خود ادامه داد.

الف) جمعیت فراگیران مکاتب ابتدایی

دوره‌ی ابتدایی به نخستین مرحلهٔ آموزش رسمی و همگانی اطلاق می‌شود و از پرجمعیت‌ترین مقاطع تحصیلی به شمار می‌رود. سن ورود و طول مدت تحصیل در دوره‌ی ابتدایی در میان کشورهای مختلف جهان متفاوت است، که معمول‌ترین سن آغاز تحصیلات

ابتدایی بین ۵ تا ۷ سالگی است. ولی سن ورود به مکتب در افغانستان در سن هفت سالگی بوده و است و در مناطق روستایی تا ۹ سالگی نیز جریان دارد.

علاوه بر مدارس ابتدایی در افغانستان، بیش از نود درصد لیسه‌ها و مکاتب متوسطه‌ی این کشور، دارای مقاطع تحصیلات ابتدایی است که شاگردان دوره‌ی ابتدایی در چنین مراکزی درس می‌خوانند. این مسأله مشکل بزرگی در شمارش تعداد مکاتب ابتدایی، شمار معلمان و شاگردان این مقطع تحصیلی ایجاد کرده است.

۱. از حبیب الله ـ امان الله

جمعیت دانش‌آموزان مکاتب ابتدایی در زمان حبیب‌الله خان ۲۶۹ نفر بودند که در لیسه‌ی حبیبیه تحصیل می‌کردند و همگی از شاهزادگان و سردار زادگان بودند و در سایر مکاتب ابتدایی شهر کابل در آغاز ۷۰۰ نفر و در اواخر سلطنت حبیب‌الله خان به ۱۵۳۶ نفر می‌رسید و تعداد ۲۵۰ دانش‌آموز در مکاتب ابتدایی مناطق مختلف نورستان[1] تحصیل می‌کردند (رهین، همان: ۹۶ – ۹۷ و غلام محمد، غبار، افغانستان در مسیر تاریخ: ۷۰۲، ۱۳۷۴). دانش‌آموزان این مکاتب همه پسر بودند و در این دوره‌ی تاریخی به آموزش دختران توجه نشده بود.

در زمان امان‌الله‌خان بر تعداد شاگردان مکاتب ابتدایی افزایش یافت، و زمینه‌ی تحصیل برای دختران نیز فراهم گردید. در این دوره، پای معارف جدید به برخی ولایات کشور نیز کشیده شد. «در سال ۱۳۰۶.ش شمار دانش‌آموزان مکاتب ابتدایی به پنجاه و یک هزار نفر می‌رسید که این تعداد غیر از مدرسه نظامی بود» (غبار، همان: ۷۹۳ – ۷۹۴). تعداد یادگیرندگان ابتدایی دختر در آغاز تاسیس مکتب دخترانه، پنجاه نفر (غبار، همان: ۷۹۰). و در سال ۱۳۰۴.ش سیصد شاگرد و در سال ۱۳۰۶.ش به هشتصد دانش‌آموز رسید (دانشمند، سایت پیمان ملی، مراجعه: ۱۳۸۸/۷/۲۱).

لازم به یادآوری است که در دوره‌ی سلطنت امان‌الله خان تمام شاگردان مکاتب ابتدایی در هفته ۲۷ ساعت در ایام تابستان و در روزهای زمستان ۲۴ ساعت در مدرسه بودند (اندیشمند، همان، مراجعه: ۱۳۸۸/۷/۲۱). روز تعطیل هفتگی به جای روز جمعه روز پنج‌شنبه تعطیل بود (غبار، همان: ۸۱۲). در سال‌های آخر سلطنت امان‌الله خان، روز دوشنبه تا نصف روز مکاتب باز بودند، و شروع سال تعلیمی (تحصیلی) از اول میزان (مهر) تعیین شد، و شاگردان به مدت ده ماه از سال تحصیلی مشغول به تحصیل بودند (جمیل‌الرحمن، کامگار،

تاریخ معارف افغانستان: ۳۰، ۱۳۸۷).

۲. ظاهرشاه ـ داودخان

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، بعد از سقوط سلطنت امان‌الله‌خان، یک دوره‌ی فترت نُه ماهه در روند حرکت تعلیم و تربیت جدید در افغانستان به وجود آمد و بعد از توقف نُه ماهه معارف رسمی در زمان حبیب‌الله کلکانی، در دوره‌ی سلطنت نادرشاه به صورت بسیار محدود احیا، و برخی از «مکاتب ابتدایی (که در دوره‌ی امان‌الله تاسیس شده بود) دوباره باز گردید» (محمد زهیر، پاینده، و محمد یوسف، علمی، د افغانستان د معارف تاریخ، لومری برخه: ۳۷، ۱۳۳۹). ولی از آن شور و شعفی که در دوره‌ی امانیه وجود داشت، در دوره‌ی نادری کاسته شده بود.

در طول بیست سال اول سلطنت ظاهرشاه تحول چشمگیری در عرصه تعلیم و تربیت ابتدایی افغانستان صورت نگرفت؛ ولی در دوره‌ی بیست سال پایانی سلطنت ظاهرشاه بخصوص در دوران پلان‌های پنج ساله‌ای اقتصادی که از سوی صدر اعظم سردار محمد داود خان اعلان گردید، خدمات و فعالیت‌های آموزشی بیش‌تری نسبت به بیست سال اول در جهت انکشاف و گسترش تعلیم و تربیت ابتدایی انجام گرفت. بر اساس آمار موجود «در سال ۱۳۱۹.ش تعداد شاگردان مکاتب ابتدایی بیست و دو هزار نفر بود» (مطبعه عمومی، سالنامه کابل، ش ۹: ۸۵، ۱۳۱۹).

در بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳٤ شمسی جمعیت شاگردان مکاتب ابتدایی از این قرار بود: در سال ۱۳۳۲.ش، تعداد شاگردان مکاتب دهاتی ۹٦۱۲ نفر، و شمار دانش‌آموزان مکاتب ابتدایی پسرانه ۸٦۸٤۷ نفر و تعداد شاگردان مکاتب ابتدایی دخترانه ٦۸۲۸ نفر بودند. در سال ۱۳۳۳.ش شمار دانش‌آموزان مکاتب دهاتی ۱۲۷٦۲ نفر، و دانش‌آموزان پسر ابتدایی ۸٤۳۲۸ نفر و تعداد شاگردان دختر ابتدایی ۷۹۷۷ نفر بودند. در سال ۱۳۳٤.ش تعداد شاگردان مکاتب دهاتی ۱٤۹۷۸ نفر و تعداد شاگردان مکاتب ابتدایی پسر ۸۵۵۷۷ نفر و شمار شاگردان مکاتب ابتدایی دختر ۹۰۳٦ نفر بوده‌اند (دولتی مطبعه کابل، سالنامه افغانستان، ش ۹: ۱۱۹ تا ۱۳۲).

براساس پلان‌های پنج سالة اقتصادی (۱۳۳٦ تا ۱۳۵۰.ش)، تعلیم و تربیت ابتدایی با پیشرفت‌های قابل‌توجهی رو به رو گردید. افزایش درصدی پذیرش دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی در دوره‌ی پیش از پلان به این صورت بود: در سال ۱۳۳۱– ۱۳۳٦.ش درصدی پذیرش در دوره‌ی

ابتدایی ۷۷ درصد بوده است و حال آنکه در خلال سال‌های پلان پنج ساله‌ی اول (۱۳۳٦-۱۳٤۱.ش) درصد پذیرش در دوره‌ی ابتدایی ۱۳۰ درصد، و در خلال سال‌های پلان پنج ساله‌ی دوم (۱۳٤۱- ۱۳٤٦.ش) درصد پذیرش در مقاطع ابتدایی ۱۳۳ درصد بوده است (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ٦۷).

جمعیت شاگردان مکاتب ابتدایی و دهاتی، در خلال سال‌های ۱۳۳٤ (قبل از پلان پنج سال اول) تا سال ۱۳٤۰ (در طول پلان پنج سال اول) به این صورت بوده است (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی (۱۳۳۵-۱۳٤۰): ٦٦ - ٦۷).

شاگردان	پیش از پلان ۱۳۳٤	بعد از پلان اول ۱۳٤۰	افزایش درصدی
مکاتب دهاتی	۱٦٤۲۱	٤٤۱۲۲	۲٦۹
مکاتب ابتدایی	۹۹٦۷۲	۱٦۸۹۷٦	۱٦۹

در طول برنامه‌ی پنج‌ساله دوم اقتصادی که از سال ۱۳٤۰ آغاز گردید و تا سال ۱۳٤۵ ادامه یافت، رشد تعلیم و تربیت دهاتی و ابتدایی و تعداد شاگردان آن از این قرار بود (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی سال۱۳٤۷، جدول شماره ۲).

مکتب	شاگردان	۱۳٤۱	۱۳٤۲	۱۳٤۳	۱۳٤٤	۱۳٤۵
دهاتی	پسر	٤۵٤۰۵	۵۸۱۲٦	٦۱۵۸۷	۷۵۱۳۱	۷۹۵۲۷
دهاتی	دختر	٤۷۵۳	۷٤۳۱	۷۹۰۸	۸۹۲۸	۸۸۱۰
ابتدایی	پسر	۱۵۹۷۹۱	۱۷۸۲۸۷	۲۰۲٤۱٤	۲۳۲۳۰۰	۲۵۳۹٤۸
ابتدایی	دختر	۲۸٤۰۵	۳۳۱٦۰	۳٦٦۰٤	٤۲۸۰۱	٤٦۳۲٤

در طول برنامه‌ی پنج‌ساله سوم اقتصادی که از سال ۱۳٤۵ آغاز گردید و تا سال ۱۳۵۰ ادامه یافت، تعداد شاگردان مکاتب دهاتی و ابتدایی از این قرار بود (همان، جدول شماره ۲ و پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی، سال ۱۳۵۰، جدول شماره ۲).

مکتب	شاگردان	۱۳٤٦	۱۳٤۷	۱۳٤۸	۱۳٤۹	۱۳۵۰
دهاتی	پسر	۸۵۹۰۸	۸۳٦۹۹	۱۰۹۵۸۸	۱۰۵۲٦۳	۱۰٦۷۸۰
دهاتی	دختر	۱۰٤۱۳	۹۲۹۸	۱٤۵٦۵	۱٤۳۰۱	۲۱۸۹۳
ابتدایی	پسر	۲۸۵٤٤۰	۲۱۳۱٤۳	۳۲۸۸۵۵	۳۵۹۲۷۹	۳٤۵۰۰۰

ابتدایی	دختر	٤٨١٠٥	٥٠٥٠٣	٥٣٣٣٧	٦١٩٤٢	٨٩٥٠٠

براساس گزارش وزارت معارف افغانستان در سال ١٣٤٦.ش که آخرین سال دومین پلان پنج ساله انکشافی بود، «تعداد مجموع شاگردان مقطع ابتدایی به ٤٤٤٢٤٠ نفر می‌رسید، که از این تعداد ٣٩/٩ درصد در مکاتب پشتو زبان، و ٦٠/١ درصد در مکاتب فارسی زبان بوده است. البته ناگفته نماند که بر اساس آمار مدیریت احصائیه ریاست بورد و پلان وزارت معارف در سال ١٣٤٦ تعداد شاگردان مکاتب دهاتی و ابتدایی ٤٢٩٨٦٦ نفر بوده است (همان، جدول شماره ٢). این تفاوت آماری ممکن است به دلیل اشتباه در ثبت اعداد صورت گرفته باشد و یا اینکه آمار "کتاب افغانستان در پنجاه سال اخیر" بر اساس آمار پایان سال ١٣٤٦ بوده است.

جمعیت فراگیران مقطع ابتدایی افغانستان در آخرین سال‌های سلطنت ظاهرشاه (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ٦٧).

١١١٦٥٠ دانش‌اموز	سال ١٣٣٤شمسی
٢١٣١٠٠ دانش‌اموز	سال ١٣٣٩شمسی
٤٤٤٢٤٠ دانش‌اموز	سال١٣٤٦ شمسی
٥٤٠٧٠٠ دانش‌اموز	سال١٣٥١شمسی

باتوجه به اینکه جمعیت افغانستان در سال‌های میانی سلطنت ظاهرشاه (سال ١٣٣٩) در حدود ١٢ تا ١٣ میلیون تخمین زده می‌شود، تنها ده درصد از کودکان بین سنین (٧ - ١٤ ساله) وارد مکاتب ابتدائیه شده بودند و در سال ١٣٤٥ جمعیت (نفوس) افغانستان در حدود ١٥/٤ میلیون نفر تخمین می‌شود که احصائیه نفوس مکتبی (اطفال بین ٧ - ١٤)، هفده درصد تخمین می‌شود و این تعداد تا پایان طرح پلان پنج ساله سوم به ٢٢ درصد افزایش می‌یابد (وزارت پلان، مسوده سومین پلان پنجساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان (١٣٤٦ ـ ١٣٥٠: ٢٠٩ ـ ٢١٠).

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، پلان‌های سه‌گانه پنج ساله اقتصادی که در دوران سلطنت ظاهر شاه اعلان گردید، در زمان نخست‌وزیری سردار محمد داود خان مطالعه و طرح گردید و مرحله‌ی نخست آن در زمان صدارت وی اجرا گردید. سردار محمد داود در سال ١٣٥٥شمسی پلان هفت ساله‌ی انکشافی اعلان کرد که رشد و انکشاف تعلیم و تربیت ابتدایی یکی از اهداف مهم این برنامه‌ی انکشافی بوده است. بر اساس آمار سال ١٣٥٧ یا به عبارت دیگر؛ در آخرین

سال ریاست جمهوری سردار محمد داودخان، جمعیت فراگیران پسر و دختر مکاتب دهاتی و ابتدایی از این قرار بوده است (عبدالکریم، میرزا زاده و دیگران، تاریخ تعلیم و تربیه در افغانستان از (۱۳۵۷ ـ ۱۳٦۷): ۲٦۷، ۱۳۷۹).

جمع هردو	تعداد فراگیران دختر	تعداد فراگیران پسر	مکتب
۸۹۳۲۰	۱۱۷۷٦	۷۷٥٤٤	دهاتی
۸٥۳٤٦۷	۱٤۱۰۱۷	۷۱۲٤٥۰	ابتدایی

براساس آماری که در سال ۱۳۵۷ منتشر گردید، میزان جمعیت دانش آموزان پسر و دختر و دانش آموزان شهری و غیرشهری مکاتب ابتدایی (اعم از ابتدایی و دهاتی) را این گونه ترسیم کرده است (همان، ص ۲٦۷).

شاگردان ابتدایی شهری و غیرشهری	ابتدایی پسران	ابتدایی دختران
شاگردان شهری	۲۳۲٦٥۷	۱۰۸۲٦٤
شاگران غیرشهری	٥٥۷۳۳۷	٤٤٥۲۹
مجموع	۷۸۹۹۹٤	۱٥۲۷۹۳

واقعیت امر این است که در سال ۱۳۵۷ بیش از هشتاد درصد جمعیت افغانستان در روستاها و مناطق غیرشهری ساکن بوده است و تنها بیست درصد از جمعیت کشور در شهرهای کوچک و بزرگ (آن هم فاقد هرگونه بهداشت و امکانات شهری) زندگی می‌کردند. جدول بالا نشان می‌دهد «که عدم توازن شدید از نظر دسترسی به مراکز آموزشی بین روستاها و شهرها وجود داشته است. به خصوص این عدم توازن در بین دختران شهری و غیرشهری بیش‌تر مشهود است که از مجموع جمعیت شاگردان دختر در دوره‌ی ابتدایی تنها یک سوم آن را دختران روستایی تشکیل می‌دادند» (همان).

ب) قوانین و تشکیلات آموزشی

برنامه‌ریزان و مدیران آموزشی معمولا به اهمیت قانون و ابزارهای قانونی دیگر به عنوان تضمینی برای اجرای سیاست‌های آموزشی، طرح‌ها و برنامه‌های خود آگاهی دارند. توجه و استناد به چهارچوب‌های قانونی برای پیشبرد سیاست‌ها و طرح‌ها و در مواردی برای اصلاح

قوانین آموزشی ضروری است. قوانین مدرسه نمایانگر سیاست‌گذاری‌های نظام آموزشی است. این قوانین زمینه‌های سیاسی ـ اقتصادی و مذهبی، اخلاقی را دربر دارد و متأثر از نگرش‌های جامعه نسبت به قانون و میزان حاکمیت قانون در کشور است. برای درک قوانین مدرسه برنامه‌ریزان آموزشی باید نخست شناخت کافی از زمینه‌های سیاسی کشور داشته باشد، اگرچه در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود اولویت‌های سیاسی با اولویت‌های اقتصادی همخوانی ندارند (مانند قانون آموزش اجباری و رایگان)، ولی زمینه‌های سیاسی قانون‌گذاری برای مدارس می‌تواند مانند یک نقشه مسیر توسعه نظام آموزشی کشور را برای برنامه‌ریزان آشکار سازد (فریده، مشایخ، دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی: ۸۹ ـ ۹۰، ۱۳۷۹).

مدرسه یک نهاد مهم اجتماعی مهم تلقی می‌شود که باید وظایف و مسئولیت‌های خود را مطابق با قوانین و مقرراتی انجام دهد که به وسیله‌ی نهادهای قانونی و قانون‌گذار وضع و تدوین شده است. این قوانین ممکن است مربوط به وظایف و عملکردهای تعلیم و تربیت در سطوح مختلف تحصیل، یعنی ابتدایی، ثانوی و دانشگاه و چگونگی ارتباط این سطوح با یکدیگر باشد و یا مربوط به طول دوره‌ی تحصیل در هر صنف یا نیمسال تحصیلی و آیین‌نامه‌های مربوط به امتحانات و ارتقاء فراگیران و غیره باشد.

منظور از قوانین، مقررات آموزشی دستورات و احکامی است که از سوی نهادهای قانونی و قانون‌گذاری تهیه و تنظیم شده است که وظایف و عملکردهای نهاد تعلیم و تربیت را در سطوح مختلف نشان داده است. بنابراین تصمیمات و اجرای تمام برنامه‌های آموزشی باید با قوانین و مقررات آموزشی که به وسیله‌ی نهادهای قانونی و قانون‌گذاری تهیه ، تنظیم و به تصویب رسیده است مطابقت داشته باشد. لذا قوانین و مقررات آموزشی که در نظام آموزشی افغانستان وجود داشته است، در دو سطح قانون عمومی معارف و قوانین مربوط به آموزش مقطع ابتدایی بررسی می‌شود.

منظور از تشکیلات آموزشی، تشکیلات وزارت معارف است. در اینجا تلاش شده است تا تشکیلات معارف در طول این دوره‌ی تاریخی (۱۲۸۳ تا ۱۳۵۷) بررسی و تعداد معاونت‌ها، مدیریت‌ها و ریاست‌های موجود به شمارش گرفته می‌شود.

۱. تشکیلات آموزشی

تشکیلات آموزشی افغانستان در ابتدا بسیار کوچک، محدود و در حد چند ریاست و

مدیریت بوده است. این تشکیلات کوچک به تدریج و به مرور زمان بزرگ‌تر و گسترده‌تر شده است و در مقاطع مختلف تاریخی به نام‌های گوناگونی یاد شده است. تشکیلات آموزشی در دوران سردار شیر علی خان به "آمریت معارف"، و در زمان حبیب‌الله خان به "شورای معارف" و بالاخره در دوران سلطنت امان الله خان به "وزارت معارف" نام‌گذاری شد. اینک به بررسی تاریخی تغییرات اسمی این تشکل، و تعداد معاونت‌ها، ریاست‌ها و مدیریت‌های تشکیلات آموزشی افغانستان پرداخته می‌شود.

۱ـ۱.آمریت معارف

آمریت معارف با تشکیل دو مکتب نظامی و ملکی در زمان سلطنت امیر شیرعلی خان شکل گرفت و در رأس اداره‌ی معارف، آمریت معارف قرار داشت؛ که سایر کارمندان ادارهٔ آمریت معارف از قبیل معلمان داخلی و خارجی، مبصرعمومی، تحویدار، دفتر خرید و تهیه لوازم قرطاسیه و بودجه، چاپ کتاب‌های درسی و مصارف مستخدمین تشکیل می‌دادند.

۲ـ۱. شورای معارف

در سال ۱۲۸۸.ش. شورای معارف (در زمان حبیب‌الله خان) تاسیس گردید، (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۵۹). در رأس تشکیلات معارف «انجمن معارف» یا «انجمن دانش» قرار داشت. اداره‌ی «انجمن دانش» بدست سردار عنایت‌الله خان بود. اعضای آن سه نفر از معلمان افغانستانی، سه نفر از معلمان و مستخدمان ترک و چهار نفر از معلمان هندی بودند. انجمن دانش به اجرای امور ذیل موظف بود: ترقیات علمی، تنویر اذهان عمومی، تعمیم معارف، اصلاح مکاتب، بنیانگذاری مؤسسات علمی، فنی و کتابخانه‌ها، مطبوعات، اخبار، مطبعه، تنظیم بودجه سالانه‌ی تعلیمی، اجرای انتظام مکاتب ابتدائیه و رفع موانع آن، تنظیم نصاب تعلیمی مکاتب، حفظ‌الصحّه، وضع مالی، وسایل انضباط، تالیف و تصحیح کتب، وارسی امتحانات، تقرر و انفکاک معلمان و عمله، مسایل و نظایر آن بود (رسول، رهین، همان: ۹۷).

انجمن معارف دارای یک نظامنامه بود که در آن وظایف معلمین، مفتشین مکاتب عمومی، سررشته دارها، متعلمین، مستخدمین، داکتران، کتابداران، قانون رخصتی، طرز امتحانات و امثال آن در آن درج شده بود (همان: ۹۷). در هفته دو بار در رابطه با موضوعات تعلیم و تربیت جلسه برگزار می‌گردید و مسایل تعلیمی مورد بررسی قرار می‌گرفت (جمیل‌الرحمن، کامگار، همان: ۲۵).

نخستین مسئولان تشکیلات معارف پسران امیر حبیب‌الله خان به ترتیب سردار نصرالله خان و سردار عنایت‌الله خان بودند. تشکیلات معارف در دوره‌ای این دو برادر این گونه بوده است: الف) دوره‌ای سردار نصرالله خان: سرمدرس معلمان هندی و داخلی، دارالتألیف، دفتر اداره‌ی مکاتب محلی و خانگی، دفتر مأمورین و بودجه‌ی معارف. ب) تشکیلات معارف در دوره‌ی سردار عنایت‌الله خان: مدیریت مکتب حبیبیه یا دفتر تدریسی اداری آن، مدیریت دارالتألیف که به نام دارالعلوم مدرسه حبیبیه یاد می‌گردید، مفتش عمومی مکاتب، دفتر انجمن معارف، دفتر معلمان و مستخدمان داخلی و خارجی، دفتر معاش معلمان که از دفتر خارجه تأدیه می‌شد، مدیریت مکتب دارالمعلمین و مدیریت مکاتب شهر تشکیل می‌دادند. در زمان نظارت عنایت‌الله خان هفتة دوبار انجمی در رابطه با موضوعات تعلیم و تربیت دایر می‌شد و مسایل تعلیمی مورد بررسی قرار می‌گرفت (همان: ۲۵).

۳ـ۱. وزارت معارف

وزارت معارف در سال ۱۲۹۹ تأسیس شد و سردار محمد سلیمان اولین وزیر معارف افغانستان بود. تشکیلات معارف در زمان محمدسلیمان وزیر، مستشار، مدیریت مکتب حبیبیه، مدیریت تحریرات، مدیریت تفتیش، مدیریت محاسبه، مدیریت تنظیمات، مدیریت مکاتب شهری، مدیریت مکاتب شش کروهی و ولایات، ریاست دارالتألیف، مدیریت اصول دفتری، مدیریت مکتب‌حکام، مدیریت مکتب‌قضات، مدیریت مکتب‌مساحت. تشکیلات وزارت معارف در زمان سردار حیات الله همانند دوران محمدسلیمان بوده است، و تنها ریاست تدریسات عمومی، انجمن مرکه پشتو اضافه شد و مدیریت‌های تفتیش و اداری باهم ادغام گردید (همان: ۳۱).

وزیران معارف در سال‌های سلطنت امان‌الله خان، سردار عبدالحبیب خان، سردار عبدالرحمن خان، سردار حیات‌الله خان و سردار فیض محمد خان بودند. و در زمان وزارت سردار حیات‌الله خان، مدیریت‌های تدریسات عمومیه و مدیریت‌های تفتیش و اداری و یک سال بعد انجمن مرکه «دپشتو» با هدف توسعه و تعمیم زبان پشتو در تشکیلات معارف تأسیس گردید. تشکیلات وزارت معارف افغانستان در زمان ریاست سردار فیض محمد زکریا (۱۳۰٤- ۱۳۰۷) چنین بود: وزیر، مستشار، ریاست مرکه‌پشتو، ریاست دارالتألیف، ریاست مکتبین که از امور درسی و اداری مکتب استقلال و نجات مراقبت می‌کرد، مدیریت تفتیش و مأمورین، مدیریت

تحریرات، مدیریت تنظیمات، مدیریت محاسبه، مدیریت اوراق، مدیریت موزه و حفریات، مدیریت دارالمعلمین، مدیریت مکتب غازی و استقلال، مدیریت ولایت کابل، مدیریت مکاتب شهری، مدیریت مکاتب ولایات، در سال ۱۳۰٤ مدیریت تنظیمات و مأمورین منحل و امور آن به مدیریت تفتیش واگذار گردید و در سال۱۳۰٦ مدیریت تفتیش به مدیریت عمومی توسعه یافت (محمد زهیر، پاینده، محمد یوسف، علمی، همان: ۲۳).

تشکیلات معارف در زمان نادرشاه: «وزیر، دفتر تعلیم و تربیت و دارالتألیف، مدیریت تحریرات، مدیریت محاسبه و مدیریت اوراق، مأموریت کلوپ، مدیریت شفاخانه و در سال بعدی مدیریت موزه و زراعت نیز تأسیس شد» (کامگار، همان: ۳٦ - ۳۷). در زمان سلطنت نادرشاه، علی‌محمد خان که از فارغ‌التحصیلان لیسه حبیبیه بود به حیث وزیر معارف معرفی شد.

تشکیلات معارف در زمان سلطنت ظاهر شاه بزرگتر و گسترده‌تر شد و سردار احمدعلی سلیمان تا سال ۱۳۱۷ به حیث وزیر معارف بود. در این دوره، مؤسسة انجمن پشتو از قندهار منتقل و در کابل با انجمن ادبی کابل ادغام شد و ریاست انجمن ادبی به ریاست «پشتو تولنه» تغییر نام یافت. بعد از سردار احمدعلی سلیمان، سردار محمدنعیم تا سال ۱۳۲۵ وزیر معارف بود و در این دوره، معاونت دوم در تشکیلات معارف افزوده شد.

در سال ۱۳۲۳ در تمام مکاتب دفاتر زیر به وجود آمد: «کتاب حاضری معلمین، کتاب حاضری شاگردان، کتاب ترق تعلیم برای هر درس‌خانه (صنف)، کتاب ثبت نتایج امتحانات، کتاب داخل و خارج طلاب، کتاب ثبت تصدیق‌نامه‌ها و شهادت‌نامه‌های متعلمین، کتاب وارده و صادره، کتاب ثبت اثاثیه مکتب، کتاب ثبت سامان تعلیمی، کتاب سوانح طلاب، کتاب نقل سوانح معلمین، کتاب احصائیه، کتاب تبدیلی طلاب، کتاب معاینه، کتاب ثبت راپورها، کتاب مجلس معلمین، کتاب مجلس انضباط و کتاب توزیع سامان» (همان: ٤۳ ـ ٤٤).

در سال ۱۳۲۵ محمد نعیم از مقام وزارت معارف برکنار، و سردار نجیب‌الله توروپانا به مدت دو سال به حیث وزیر معارف معرفی شد. در این دوره تغییرات زیادی در وزارت معارف به وجود آمد. در سال ۱۳۲۷ عبدالحسین عزیز وزیر معارف معرفی و پس از یک سال از کار برکنار گردید، و به جایش سردار فیض‌الله خان وزیر معارف شد و تا سال ۱۳۲۹ در این وزارت باقی ماند. بعد از فیض‌الله خان، مقام وزارت معارف به داکتر عبدالمجید رسید که تا سال ۱۳۳۵ در این مقام باقی ماند، و سپس داکتر احمد پوپل به حیث وزیر معارف معرفی گردید.

در سال ۱۳٤۳ داکتر محمد انس وزیر معارف معرفی شد و بعد از وی در سال ۱۳٤٤ داکتر

محمد عثمان به مقام وزارت معارف رسید و تا سال ۱۳٤٦ در این پُست باقی ماند. در سال ۱۳٤٦ بار دیگر احمد پوپل به وزارت معارف بازگشت و تا سال ۱۳٤۸ در این وزارت کار کرد. بعد از وی به ترتیب داکتر محمد اکرم، داکتر عبدالقیوم و حمیدالله عنایت سراج به ترتیب به حیث وزیران معارف معرفی شدند، که آخرین وزیر معارف در دوران سلطنت ظاهرشاه داکتر محمد یاسین عظیم بود (اندیشمند، سایت پیمان ملی، مراجعه: ۱۳۸۸/۷/۲۲).

تشکیلات معارف در دوره‌ی سلطنت ظاهرشاه: «وزیر، دو معین (یکی تدریسی و دیگری اداری)، ریاست تألیف و ترجمه، ریاست تفتیش، ریاست پشتو تولنه، ریاست انجمن تاریخ، ریاست تدریسات ابتدایی، ریاست تدریسات ثانوی، ریاست تدریسات مسلکی، ریاست مؤسسات تجاری صنایع، مدیریت انجمن دائره‌المعارف آریانا، مدیریت ارتباط خارجه، مدیریت قلم مخصوص، مدیریت عمومی سپورت، مدیریت عمومی تدریسات پشتو، مدیریت عمومی حفظ‌الصحه، مدیریت مأمورین و معلمین، مدیریت عمومی لوازم، مدیریت تعمیرات، مدیریت اوراق، مدیریت تعلیمات اساسی، مدیریت تصفیه، مدیریت کلوپ، و مدیریت مکاتب شهر» (کامگار، همان: ٥٦ ـ ٥٧). هم‌چنین «برای مراقبت از تعلیم و تربیت و نظارت اداری برای هر ده مکتب یک نفر مفتش تعیین و برای سر معلمین مکاتب ابتدایی معاون منظور گردید» (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ٦١).

۴ـ۱. وزارت تحصیلات‌عالی

وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳٥٦ از وزارت معارف جدا گردید؛ و اولین وزیر تحصیلات عالی، داکتر غلام صدیق محب برگزیده شد. پیش از این تاریخ وزارت تحصیلات عالی با وزارت معارف یکجا بود و در قالب یک وزارت‌خانه (وزارت معارف) فعالیت می‌کرد.

۵ـ۱. وزارت تعلیم و تربیه

پس از تاسیس وزارت تحصیلات عالی، وزارت معارف به وزارت تعلیم و تربیه تغییر نام یافت. وزیران تعلیم و تربیه در زمان ریاست جمهوری سردار محمدداودخان، داکتر نعمت‌الله پژواک (۱۳٥۲– ۱۳٥۳)، داکتر عبدالقیوم وردک (۱۳٥۳ ـ ۱۳٥٦) و داکتر محمد ابراهیم مجید سراج (۱۳٥٦ ـ ۱۳٥۷) بودند.

تشکیلات وزارت معارف در زمان ریاست جمهوری سردار محمد داود خان این گونه بود:

«وزیر معارف، معین اول، معین دوم، و دارای ریاست‌ها و مدیریت‌های زیر بود: تدریسات ابتدایی، تدریسات ثانوی، تدریسات مسلکی، اداری، استخدام، مؤسسات تربیت معلم، تألیف و ترجمه، تربیت بدنی، پلان، امورصحی، رادیو و تلویزیون تعلیمی، کودکستان‌ها، تفتیش، سوادآموزی، ساختمانی، سارندوی، آمریت‌های مرکز ساینس، حفظ و مراقبت و مدیریت‌های روابط فرهنگی، کلوپ، صندوق معلم، سکرتریت ملی یونسکو و تصدی مطبعه تعلیم و تربیت» (اندیشمند، همان).

۲. قوانین و مقررات آموزشی

قوانین و مقررات آموزشی در دو محور اصلی مورد بحث قرار می‌گیرد، محور اول، مربوط به قانون معارف است که در قانون معارف افغانستان بیش‌تر بر چه مواد و نکاتی توجه شده است؟ محور دوم، اختصاص به تعلیمات ابتدایی در قانون معارف دارد که به صورت مستقل و در چاچوب فصول و مواد خاصی بحث شده است.

۱ـ ۲. قانون معارف

در قاعده (ماده) ٤٧ نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان مصوّب سال ۱۳۰۲ (دوره‌ی امان‌الله خان) آمده است که «اداره و تفتیش همه‌ی مؤسسات تدریسیهٔ عمومی که برای تربیه و تعلیم می‌باشند و همه دوائر عالیه که خادم حفظ و حراست علم هستند، به وزارت معارف عمومیه مفوض است» (نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان، ۱۳۰۲: ۱۷). در این ماده تدریسات ابتداییه و تالیه به سه شعبه تقسیم شده است: «مدیریت مأمورین و معلمین، مدیریت تفتیش و مدیریت تدریسات» (همان).

در قاعده (ماده) ٤٨ آمده است که «ریاست تدریسات ابتدائیه و تالیه برای اداره و نظارت همه مکاتب که مخصوص تدریسات ابتدائیه و تالیه می‌باشند و هم مدارس خصوصیه که از طرف اشخاص و جمعیت‌ها و شرکت‌های وطنی تأسیس و اداره می‌شود، مأمور است و کذالک دارالمعلمین‌ها و دارالمعلمات‌ها هم به ریاست تدریسات تعلق دارند یک نفر رئیس آن را اداره می‌نماید» (همان: ۱۸).

در ماده دوازدهم قانون معارف مصوّب سال ۱۳٤۷ (دوره‌ی ظاهرشاه) نقش وزارت معارف چنین بیان شده است. «وزارت معارف صلاحیت اداره و نظارت امور مؤسسات تعلیمی و تربیت

دولتی ملکی را داشته و ضمنا فعالیت‌های عرفانی کشور را راهنمایی و نظارت می‌نماید» (قانون معارف، مصوب سال ۱۳٤۷: ٦). علاوه بر وزارت معارف، دو نهاد دیگر نیز به نام‌های "شورای عالی معارف و انجمن معارف" زیر نظر وزارت معارف فعال بودند.

در ماده سیزدهم و چهاردهم از فصل دوم، نقش و وظیفه‌ی شورای عالی معارف بیان شده است. در ماده سیزدهم آمده است که «شورای عالی معارف انجمنی است که در امور مهمه‌ی معارف به وزیر معارف مشوره می‌دهد. شورای معارف سالانه اقلا دو مرتبه جلسه می‌کند. جلسات فوق‌العاده عندالضرورت توسط وزیر معارف دایر می‌شود. اعضای شورای عالی معارف از جمله افراد خبیر و دانشمند به پیشنهاد وزیر معارف به تصویب مجلس وزراء و منظوری حضور ملوکانه تعیین می‌گردد.» در ماده چهاردهم وظیفه‌ی شورای عالی معارف تعیین شده است. «وظیفه شورای عالی معارف عبارت از غور و مداقه بر آن مسایل مهمّه‌ی معارف کشور است که از طرف وزیر معارف به حیث رئیس شورای عالی یا یکی از اعضای شورای مذکور به مجلس ارائه می‌شود» (همان: ص ۷).

در ماده‌های پانزدهم، شانزدهم و هفدهم از فصل دوم، نقش انجمن معارف و وظیفه آن بیان شده است. «ماده پانزدهم: انجمن معارف مرکب است از معین‌ها و رؤسای وزارت معارف که تحت ریاست وزیر معارف و یا شخصی که از طرف وزیر معارف تعیین می‌گردد، هفته‌ی یک بار تشکیل جلسه می‌نماید.» ماده شانزدهم: «غور بر مسایل عمده‌ای تدریسی و اداری، تأمین و حفظ هماهنگی بین دوایر وزارت معارف و اتحاذ تصاویب لازمه، طرح و تعدیل و تصویب مقررات مربوطه معارف از صلاحیت انجمن معارف است.» در ماده هفدهم آمده است که: «تصاویب انجمن معارف بعد از امضای وزیر معارف و یا شخصی که وزیر معارف به وی صلاحیت بدهد، قابل اجرا است» (همان: ۷ ـ ۸).

در فصل سوم در ماده هجدهم نقش و وظیفه مدیریت‌های معارف بیان شده است. «وارسی امور معارف و نظارت امور تعلیمی و تربیتی و راهنمایی فعالیت‌های عرفانی ولایات مطابق به لایحة وظایف مربوطه وظیفة مدیریت‌های معارف است» (همان: ۸).

۲ـ ۲. تعلیمات ابتدایی در قانون معارف

بر اساس قاعدة (ماده) ٦۸ نظامنامه اساسی دولت افغانستان (در زمان امان‌الله خان) تحصیل معارف تا درجة ابتدائیه اجباری اعلام شده بود: «برای تبعه‌ای افغانستان درجه ابتدائیه

تحصیل معارف حتمی و مجبوریست درجات و تفرعات آن به یک نظامنامه مخصوص تعیین یافته که بر طبق آن معمول می‌شود» (ننگیال، اسناد تاریخی افغانستان: ۳۳). در دوره‌ی نادرشاه ماده‌های ۲۰ تا ۲۲ از قانون اساسی اختصاص به معارف داشت. در ماده ۲۰ آمده بود که «تعلیمات ابتدایی اجباری است» (وارتان، گریگوریان، ظهور افغانستان نوین، ترجمه: علی عالمی کرمانی: ۳۷۳ - ۳۷٤، ۱۳۸۸).

ماده ۲۱: «به شهروندان افغان حق می‌داد تا آموزش طلبگی اسلامی و علوم اخلاقی را به صورت عمومی یا خصوصی یاد بگیرد، و هم‌چنان نظر به حکم این ماده هیچ فردی نمی‌توانست بدون اجازه وزارت معارف مکتب تأسیس کند و چنانچه هر مکتب که از طرف وزارت‌خانه‌های دولتی افتتاح می‌شود، تهیه نصاب، لوازم و امور تفتیش آن به دوش وزارت معارف است» (همان). در مادة ۲۲ این قانون اعلان شده بود که «تلاش کمرنگی شده بود تا سیستم آموزش عمومی را بدون رنجش رهبران مذهبی توجیه نماید. مدارس افغانستان تحت سرپرستی دولت در زمینه‌های قرار داده شد که آموزش و پرورش می‌توانست بعد از آن هم با مبانی اسلامی خود را عیار کرده، سازگاری داشته باشد و هم با علم و هنر و صنعت» (همان). اگر چند اجباری و همگانی بودن تعلیم و تربیت ابتدایی در قوانین معارف افغانستان وجود داشت، ولی هیچگاه به صورت عملی اجرا نگردیده است. بلکه بیش از نود درصد کودکان از تحصیل محروم بوده است.[۲]

به طور عملی «آموزش ابتدایی در طی سال‌های ۱۳۱۲- ۱۳۲۰ (صدارت هاشم‌خان) نه همگانی بود و نه اجباری» (گریگوریان، همان: ٤۳۳). ولی بر اساس قانون اساسی افغانستان در سال۱۳٤۳ (در زمان ظاهرشاه)، معارف برای همه‌ی اتباع افغانستان بدون تبعیض، رایگان، و تعلیمات ابتدایی(تا صنف ششم) اجباری اعلان شده بود. در «ماده ۳٤، قانون اساسی سال ۱۳٤۳ در مورد معارف چنین نگاشته بود: «تعلیم حق مردم افغانستان است که از طرف دولت به طور رایگان آماده می‌گردد، و در این قسمت هدف دولت رسیدن به آن مرحله است که مطابق قانون به طور بسیار آسان و ساده برای مردم زمینه‌های تحصیل مساعد گردد، دولت مکلفیت دارد که در تمام افغانستان به خاطر تعمیم متوازن معارف پروگرام مؤثر وضع و تطبیق نماید. راهنمایی و تعقیب تعلیم و تربیه کار دولت است، تعلیمات ابتدایی بالای همه‌ی اطفال در مناطقی‌که زمینه‌های آن مساعد گردیده، حتمی است.

بنیاد مؤسسات عالی و عمومی تعلیمی و کار آن‌ها تنها وظیفه و حق دولت است، در غیر آن

اتباع افغانستان حق دارند که مکاتب اختصاصی و یا سوادآموزی بسازند، و شرط‌های ساختن چنین مکاتب، نصاب تعلیمی و شرایط تحصیل آن مطابق قانون بیان می‌شود

حکومت طبق قانون می‌تواند به اشخاص خارجی اجازه تأسیس مکاتب خصوصی را بدهد، و از چنین مکاتب صرف خارجیان استفاده نموده می‌توانند» (اساسی قانون، کابل، ۱۳٤۳: ۲۹ ـ ۳۰ و کامگار، همان: ٦۷ – ٦۸).

فصل چهارم قانون معارف مصوّب سال ۱۳٤۷ که شامل مواد ۱۹ تا ۲۷ است، اختصاص به تعلیمات ابتدایی دارد. در ماده ۱۹ آمده است: «دولت تعلیمات ابتدایی را متناسب به امکانات ممکلت توسعه و تعمیم می‌بخشد.» در ۲۰ اهداف تعلیم و تربیت ابتدایی بیان شده است (که در بحث برنامه درسی خواهدآمد). ماده ۲۱، «مکتب ابتدایی مطابق شرایط تعلیمات‌نامه تدریسات ابتدایی معارف تأسیس می‌شود.» ماده ۲۲، «دختران و پسران در مکاتب ابتدایی یکجا درس خوانده می‌توانند.» ماده ۲۳، «مفردات پروگرام و نصاب تعلیمات ابتدایی از طرف وزارت معارف تعیین و تثبیت می‌گردد.» ماده ۲٤، «کتب درسی دوره‌ای ابتدایی از طرف وزارت معارف تدوین می‌شود.» ماده ۲۵، « امتحان در مکاتب ابتدایی مطابق تعلیمات‌نامه ابتدایی اخذ می‌شود.» ماده ۲٦، «شمول در مکاتب ابتدایی و اخراج از ان مطابق تعلیمات‌نامه مربوطه صورت می‌گیرد.» ماده ۲۷، «در جایی که تأسیس مکاتب اساسی موجود نباشد، مکاتب دهاتی مطابق تعلیمات‌نامه مربوطه تأسیس شده می‌تواند» (قانون معارف مصوب سال ۱۳٤۷: ۸ ـ ۹).

در دوره‌ی ریاست جمهوری سردار محمد داود خان یک سلسله تغییرات اساسی در قوانین معارف افغانستان به وجود آمد، که این تغییرات در چند ماده بیان شده است: ۱. «تعلیمات اجباری همگانی ابتدایی. ۲. اداره‌ای معارف با سیستم مرکزی. ۳. صنف بندی در تعلیم و تربیت. ٤. تغییر در نصاب تعلیمی . ۵. کتب درسی و تهیه مواد درسی. ٦. ارتقا و انکشاف زبان‌ها. ۷. ازریابی. ۸. معارف متوازن. ۹. تعلیمات تربیه بدنی. ۱۰. فعالیت‌های ماورای مکتب و نصاب تعلیمی. ۱۱. انجمن‌های معلمین و والدین. ۱۲. تعلیم و تربیه متداوم در دوره‌های مختلف» (کامگار، همان: ۸۸ ـ ۸۹).

۳ـ ۲. سال تحصیلی در مکاتب ابتدایی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، سال تحصیلی در زمان حبیب‌الله خان در طول سال نه ماه تعیین شده بود، ولی در دوره‌ی سلطنت امان‌الله خان به ده ماه افزایش یافت. بعد از سقوط

سلطنت امان‌الله خان، بار دیگر نه ماه تقلیل یافت. سال تحصیلی در دوره‌ی حبیب‌الله خان از سال قمری استفاده می‌گردید، ولی در زمان سلطنت امان الله خان سال قمری به سال شمسی تبدیل شد. حبیب‌الله کلکانی یکی از دلایل قیام خود و مردم افغانستان را بر ضد سلطنت امان‌الله خان، تبدیل سال قمری به شمسی می‌دانست و از این عمل امان‌الله بدعت در دین نام می‌برد. «وی ... در شرع فساد روا داشته، سنه قمری را به شمسی مبدل ساخته و ...» (غبار، افغانستان در مسیر تاریخ: ۸۲۷).

۴ـ ۲. فصل تعطیلات مکاتب ابتدایی

فصل تعطیلات مکاتب ابتدایی در (زمان سلطنت حبیب‌الله، ظاهرشاه و سردار محمد داود خان) در هر سال تحصیلی سه ماه بوده است، که در مناطق گرمسیر در تابستان و در مناطق سرد سیر در زمستان تعیین شده (معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۱۰۱، ۱۳٤۷)؛ ولی تعطیلات در مکاتب دهاتی بر اساس اقتضاء شرایط محلی و منطقه‌ای اعلام شده بود (معارف افغانستان در نیم قرن اخیر (۱۲۸۵ – ۱۳۳۵: ۱۲). امّا مکاتب ابتدایی در زمان امان الله خان دو ماه تعطیل بوده است. روز تعطیل هفتگی در روز جمعه بود، ولی در دوران امان‌الله روز تعطیل هفتگی به روز پنجشنبه منتقل شد و روز جمعه به عنوان روز تحصیلی به حساب می‌آمد. بعد از سقوط سلطنت امان‌الله خان، بار دیگر روز تعطیل از پنج‌شنبه به جمعه تغییر یافت.

۵ ـ ۲. ساعات درسی در مکاتب ابتدایی

در طول هفته ۲۸ ساعت درس برای سه صنف اول ابتدایی و ۲۹ ساعت درس برای سه صنف مابعد (چهارم، پنجم و ششم) تعیین گردیده بود، که هر ساعت درسی از ٤۰ تا ٤۵ دقیقه را دربر می‌گیرد، طوری‌که بعد از هر دو ساعت ۱۰ دقیقه برای تفریح تعیین گردیده است (معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۱۰۱). این برنامه‌ی درسی در تمام مکاتب ابتدایی افغانستان به صورت یکسان اجرا می‌گردید. در شرایط فعلی نیز همین برنامه‌ی درسی در مکاتب ابتدایی اجرا می‌شود و هر ساعت درسی بین ٤۰ تا ٤۵ دقیقه می‌باشد.

۶ ـ ۲. شرایط پذیرش در مکاتب ابتدایی

شرایط پذیرش در مکاتب ابتدایی این بود که کودکان دارای مشکلات ذهنی، جسمی و روانی

و هم‌چنین لال مطلق، کور مطلق و دارای بیماری ساری نباشند. «تمام آن اطفالی که اصولا به مداومت مکتب مجبوراند در مکاتب ابتدایی قبول می‌شود. تنها اطفالی‌که مشکل جسمی‌شان غیر طبیعی یا روحا مریض یا گنگ مطلق یا کور (نابینا) و یا به ناخوشی‌های ساری مبتلا باشند به مکاتب ابتدایی پذیرفته نمی‌شوند» (همان: ۱۰۰). همین قانون تا هنوز در نظام آموزشی کشور وجود دارد. متأسفانه در طول تاریخ تعلیم و تربیت جدید افغانستان برای افراد دارای معلولیت‌های ذهنی جسمی و روانی برنامه‌ی آموزشی خاصی وجود نداشته است و افراد مزبور بدون تحصیل و سواد کافی در جامعه رها شده و در شرایط ناگواری زندگی می‌کنند.

۷ـ ۲. ساختار آموزشی دوره ابتدایی

ساختار آموزشی دوره‌ی ابتدایی در زمان حبیب الله خان چهار سال بود (غبار، همان: ۷۰۲). و در زمان امان الله خان به پنج سال ارتقاء یافت. ساختار آموزشی در دوره‌ی نادرشاه به چهار سال کاهش پیدا کرد (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ٦١). دوره‌ی ابتدایی در دوران سلطنت محمد ظاهرشاه شش ساله شد (کامگار، همان: ٤٢). همین دوره‌ی شش ساله ابتدایی در زمان ریاست جمهوری سردار محمد داود خان به هشت سال افزایش یافت (سالنامه افغانستان، ش ٤١، (٥٣ ـ ١٣٥٤): ٣٨٤). ساختار آموزشی دوره‌ی ابتدایی در زمان سردار محمد داود خان با تغییرات اساسی رو به رو گردید، و به تعقیب آن، تغییرات زیاد و قابل‌توجهی در نصاب تعلیمی مقطع ابتدایی به وجود آمد.

الف) به تأمین بهتر سواد دایمی و به خاطر آماده ساختن فارغان دوره‌ای ابتدایی از نگاه قدرت جسمانی برای تعقیب تعلیمات ثانوی و یا فراگیری کورس‌های حرفوی و یا انتخاب شغل آزاد دوره ابتدایی از شش سال به هشت سال ارتقاء می‌یابد.

ب) به منظور استفاده از تعلیم و تربیه متکی به اصل کیفیت، سنین شش و هفت به حیث سنین شمول (به مکتب) تعیین شده است.

ج) دوره‌ی متوسطه مورد تجزیه قرار گرفته صنوف هفتم و هشتم آن به دوره‌ی ابتدایی که هشت سال را در بر می‌گیرد، افزوده گردیده است.

د) در صنوف ۷ و ۸ دوره‌ی ابتدایی بر علاوه مضامین مربوط معلومات محیطی و حرفوی از نگاه نظر و عمل در نصاب تعلیمی گنجانیده می‌شود تا سویه‌ای آموزش آموخته با کیفیت ارتقاء یابد.

ه) فارغان دوره ابتدایی مطابق شرایط شمول ضرورت و سنجش قوای بشری از نگاه تعلیمات ثانوی عمومی مسلکی به اساس کانکور انتخاب می‌گردند.

و) یک تعداد شاگردان از جمله کاندیدهای که در امتحان کانکور موفق نمی‌گردند نظر به ضرورت تابع کورس‌های حرفوی قصیرالمدّت گردیده و متباقی شغل آزاد را اختیار خواهند نمود؛ که این هر دو کتگوری قشر پر ارزش کارگر با سواد ماهر و نیمه ماهر را تشکیل خواهند داد (همان، ش ٤١ (٥٣ ـ ١٣٥٤): ٣٨٤).

ج) منابع انسانی

منظور از منابع انسانی کارکنان اداری و آموزشی نهاد تعلیم و تربیت عمومی است. در این فصل کارکنان اداری و آموزشی تشکیلات آموزشی عمومی از دوران سلطنت حبیب‌الله (۱۲۸۳) خان تا پایان ریاست جمهوری سردار محمد داود خان (۱۳۵۷) بحث می‌شود.

۱. کارکنان غیرآموزشی

مکاتب ابتدایی در زمان سلطنت حبیب‌الله خان به شکل بسیار ساده اداره می‌گردید و معمولا توسط یک معلم و یا دو معلم که تحصیلات مکتب‌خانه‌ای داشتند، اداره می‌گردید. ناگفته نماند که در آغاز تأسیس لیسه حبیبیه تمام معلمین ساینس و انگلیسی و حتی هیأت اداری از هند استخدام شده بود (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ٥٩).

همان‌گونه که پیش از این توضیح داده شد، در رأس تشکیلات انجمن معارف در زمان حبیب الله خان سردار عنایت الله خان بود، و اعضای این انجمن سه نفر افغانی (شاه آغاسی عبدالحبیب‌خان، مولوی عبدالربّ‌خان مدیر مکاتب ابتدایی و منشی میرزا محمد عمرخان)، سه نفر معلمین و مستخدمین ترک (حسن حلمی افندی، محمد فضلی رسام و علی افندی) و چهار نفر معلمین هندی (حافظ احمدالدین، قادر بخش محمد ارشد و مولوی معراج‌الدین) بودند، و نظامنامه انجمن را تدوین و نصاب تعلیمی مدارس را تنظیم و تصحیح می‌کردند. (همان: ٧٠٣)

این مسأله کاملا روشن است که در دوره‌ی سلطنت حبیب‌الله خان از مشاوران و متخصصان هندی استفاده می‌گردید. ولی در زمان سلطنت امان‌الله خان بیش‌تر از مشاوران ترکی استفاده می‌شد. «در اوایل قرن بیستم، سبک ترکی که در آن به نوبه‌ای خود اقتباس از سیستم فرانسوی بود در افغانستان معمول گردید. در پهلوی اقتباس تدریجی نصاب تعلیمی ترکی، یک عده استادان

ترکی نیز بر اثر مساعی محمود طرزی استخدام شدند» (رسول، رهین، همان: ۹۸). به هر صورت در زمان سلطنت امان‌الله خان «به استخدام معلمین و مشاورین و جلب امداد علمی و تربیوی توجه خاصی مبذول شد. سیستم تدریسی، تشکیلات اداری و امتحانات بهبود یافت و معارف عصری توأم با تربیه‌ای ملی افغانی وظیفه‌ای همگانی شناخته شد» (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۵۹).

در زمان ظاهرشاه نیز از کارشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت خارجی استفاده می‌گردید و گروهی زیادی از آنان در افغانستان مستقر بودند و با شروع جنگ جهانی دوم از افغانستان خارج شدند. «با جنگ عمومی دوم (۱۳۱۸- ۱۳۲٤) معارف افغانستان دچار مشکلات گردید چه از یک طرف مشکلات اقتصادی خانواده‌ها را پریشان ساخت و از جانبی مستخدمین خارجی مجبورا به اوطان خود بازگشتند» (همان: ٦١). در سال ۱۳۳۰ «یک نفر متخصص سوادخوانی بنام داکتر لاباک استخدام شد که برای تربیت معلمین سواد آموزی کورسی دایر و اصول جدید سوادآموزی و چارت‌های آن را ترتیب نمود که تا امروز (۱۳٤۸) مورد استفاده کورس‌های سوادخوانی قرار دارد» (همان). در اواخر سلطنت ظاهرشاه تعداد کارمندان وزارت معارف ٤۳۰۰ کارمند اداری و دفتری بوده است.

۲. کارکنان آموزشی

نخستین بار در «لیسه حبیبیه تعداد ۵۵ معلم وجود داشت که از آن جمله دو معلم نظامی برای تمرین عسکری در تمام مکاتب مشغول بودند ...، و ۱۲معلم و ملا امام[۳] در مکاتب شش‌گانه‌ای نورستان بود، که به تعلیم و تربیت کودکان دوره‌ای ابتدائیه می‌پرداختند» (غبار، همان: ۷۰۲). تا این‌که به تدریج در «سال ۱۲۹۸.ش حکومت تصمیم گرفت تا فارغان صنف ششم مکاتب عصری در لیسه حبیبیه پذیرفته شوند، یک مکتب تجربوی به آن ضم گردید و به فارغان مکتب مذکور بعد از سپری نمودن دو سال تصدیق صنف هشتم داده شده و به حیث استاد در مکاتب مشغول تدریس شدند ... و در سال ۱۳۰۰.ش، دارالمعلمین دیگری در کابل تأسیس شد که فارغان مکاتب ابتدایی در آن جذب می‌شدند.» (کامگار، همان: ۲۸- ۲۹). در سال ۱۳۰۷ در حدود ٦۵۰ معلم در دوره‌ای ابتدائیه وجود داشت (غبار، همان: ۷۹۳). در عین حال بیشترین معلمان مکاتب ابتدایی را در بخش مضامین دینی فارغ‌التحصیلان مکتب‌خانه‌ی تشکیل می‌دادند.

با توجه به این که معارف رسمی در افغانستان بعد از پلان‌های پنج ساله با رشد و انکشاف رو به رو گردید، می‌توان آمار معلمان مکاتب ابتدایی و دهاتی را پیش از برنامه پنج‌ساله اول و بعد از آن را مقایسه کرد، و درصد افزایش آن را به دست آورد (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی (۱۳۳۵-۱۳٤۰): ٦۷).

مکاتب	۱۳۳٤	۱۳٤۰	درصد افزایش
دهاتی	۳۸۱	۷۸۷	۲۰٦
ابتدایی	۲۷۱۳	۳۲۷٦	۱۲۱

جدول زیر شمار معلمان مکاتب دهاتی و ابتدایی را در میان سال‌های ۱۳٤۲ تا سال ۱۳٤۹ نشان می‌دهد، که در طول پلان‌های پنج ساله دوم و سوم بر شمار معلمان افزایش یافته است (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی سال ۱۳٤۹، جدول شماره ۲).

مکتب	جنسیت	۱۳٤۲	۱۳٤۳	۱۳٤٤	۱۳٤٥	۱۳٤٦	۱۳٤۷	۱۳٤۸	۱۳٤۹
دهاتی	مرد	۹۱۲	۱۰۳۳	۱۱٦۸	۱۲٦۲	۱۵۳٦	۱۷۰۰	۱٦٦۱	۲۲۵۸
دهاتی	زن	۷۰	۷۳	۷۳	۷۷	-	۱۹٤	۹۷	۷۲
ابتدایی	مرد	۳۵٦۵	٤۲۱۷	٤٦۸۳	۵٤۸٦	۷۳۸۸	۷۱۵۸	۸۰۱٤	۸٦۷٦
ابتدایی	زن	۷۹۹	۹۰۸	۹۱۸	۱۰۷۳	-	۱۱۹۳	۱۳۷۱	۲۱۱۱

این جدول نشان می‌دهد که آهنگ رشد تعلیم و تربیت ابتدایی و افزایش شمار معلمان مکاتب ابتدایی و دهاتی در خلال سال‌های برنامه توسعه اقتصادی در آن جریان داشته است، نسبت به سال‌های قبل از پلان رو به رشد بوده است.

هم‌چنین جدول زیر شمار معلمان مکاتب ابتدایی و دهاتی را در طول سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷ نشان می‌دهد (اندیشمند، همان) که در طول برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی (۱۳۳۵ - ۱۳۵۰) و تا پایان حکومت سردار محمد داود خان (۱۳۵۷) تعداد معلمان مکاتب ابتدایی تا حدودی با رشد همراه بوده است.

شمار معلمان ابتدایی	سال شمسی
٥٠٥٤	۱۳۳۹
٧١٢٤	۱۳٤٤
١٣١١٦	۱۳٤۹
١٨٥٥٣	۱۳٥٤
٣٢٨٤٨	۱۳٥۷

د) منابع و امکانات‌آموزشی

لیسه‌ی حبیبیه در روزهای آغازین خود، فاقد هرگونه وسایل، ابـزار و تجهیـزات آموزشـی لازم بوده است. «متعلمین بالای فرش و استادان بالای چوکی (صندلی) می‌نشستند» (کامگار، همان: ۲۳). در این لیسه میز و صندلی و تخته سیاه و غیره وجود نداشت، و به مرور زمـان از امکانـات و تجهیزات آموزشی حداقلی برخوردار گردید. ولی در سایر مدارس ابتدایی که بیشـتر در مسـاجد و خانه‌های کرایی تشکیل می‌گردید، و به شیوه‌ای سنتی اداره می‌گردید، بیش از لیسه حبیبیه از منـابع و امکانات‌آموزشی محروم بودند.

غبار امکانات و تجهیزات آموزشی لیسهٔ حبیبیه را در اواخر دوره‌ی سلطنت حبیب‌الله خان نـام می‌برد: «یک لابراتوار بنام بیت‌الحکمه، یک بیت‌الرسم (حاوی آلات نقشه‌ها برای رسم عملـی و نظری مسطحات و مجسمات)، یک بیت‌العلاج (شفاخانه)، یک کتاب‌خانـه، یـک تحویل‌خانـه لوازم درسی، یک دفتر با دو نفر کاتب داشت» (غبار، همان: ۷۰۲). از منابع و امکانات آموزشـی موجود بیشتر در مقاطع بالاتر (متوسطه و لیسه) استفاده می‌گردید و شاگردان مقاطع ابتدایی در آن سهمی نداشتند.

منابع و امکانات آموزشی مکاتب ابتدایی در زمان امان اللـه خـان کمـی بیشـتر گردیـد؛ زیـرا افغانستان در این دوره‌ی تاریخی روابط نزدیک با همسایگان و برخی از کشورهای غربی از جملـه آلمان، فرانسه و غیره برقرار نمود و بسیاری از مکاتب مطرح شهر کابل (استقلال، نجـات و غیـره) در زمـان سـلطنت امان‌اللـه‌خان بـا همراهـی و مسـاعدت کشـورهای خـارجی و سـازمان‌های بین‌المللی ساخته شدند. و لزوما در چنین شـرایطی از امکانـات و تجهیـزات آموزشـی بیش‌تـری نسبت به گذشته برخوردار گردیـد. ولـی تمـام وسـایل و امکانـات آموزشـی ایـن دوره، در زمـان حاکمیـت نـه ماهـه‌ی حبیب‌اللـه کلکـانی از بـین رفـت و همـه‌ی کتاب‌هـا و منـابع موجـود در

کتاب‌خانه‌های شهر کابل در آتش خشم بچه سقا سوخت.

امکانات و تجهیزات آموزشی تعلیم و تربیت افغانستان در دوره‌ی سلطنت نادرشاه سروسامان نیافت و مشکلات فراوانی، فراروی معارف مدرن وجود داشت. ولی در اواسط سلطنت ظاهرشاه، وضعیت تغییر کرد و بر اساس ارتباط نزدیک که معارف با سازمان‌های بین‌المللی چون یونسکو برقرار نمود، تا حدودی از امکانات و تجهیزات آموزشی در کشور استفاده می‌گردید «در سال ۱۳۲٤.ش در هر مکتب ابتدایی که دارای عمارت اصولی بود، تأسیس یک کتابخانهٔ کوچک مشتمل بر مطبوعات وطنی و مسلکی امر داده شد» (کامگار، همان: ٤٥). ولی امکانات و تجهیزات‌آموزشی که به وسیلهٔ متخصصان و معلمان خارجی مورد بهره برداری قرار می‌گرفت. در «جریان جنگ جهانی دوم متخصصان و معلمان خارجی به کشورهای خود بازگشتند و تمامی امکانات و تجهزات‌آموزشی که نیازمند استفاده‌ای تخصصی داشت، از فعالیت باز ماند» (افغانستان در پنجاه سال اخیر: ٦١).

در دهه‌ی دموکراسی و نیز در زمان حاکمیت سردار محمد داود خان وضعیت امکانات و تجهیزات آموزشی رونق گرفت و بیشتر توسط متخصصان خارجی مورد استفاده قرار می‌گرفت و باز هم بیش‌تر در مقاطع بالاتر مورد استفاده قرار می‌گرفت.

به طور کلی می‌توان گفت که استفاده از امکانات و تجهیزات آموزشی پیشرفته و مدرن در مکاتب فنی و حرفه‌ای، لیسه‌ها و مراکز تربیت معلم مورد استفاده قرار می‌گرفت، «در لیسه‌ها لابراتوارهای مضامین ساینس تنظیم یافت و در مکاتب ثانوی ذکور و اناث اطاق‌های مخصوص دروس اجتماعی و کتابخانه‌ها تأسیس شد. به طرزالعمل امتحانات، حفظ‌الصحه شاگردان و تقویه‌ای وسایل تربیه‌ای بدنی نیز توجه به عمل آمد و مقرراتی در این باره وضع گردید. وزارت معارف به تأسیس مکاتب مسلکی اقدام نموده دارالعلوم‌ها، لیسه زراعت، مکتب اصول تحریر و حکام، لیسه تجارت، مکتب میخانیکی، مکتب صنایع و تخنیک را تأسیس نمود و تعلیم‌نامه‌ها و لوایح تعمیر را تهیه و کتب و مواد درسی، لابراتوارها و آلات و افزار و متخصصین را بدست آورد» (همان: ٦٢).

ولی در مکاتب ابتدایی به جز میز و صندلی و تخته سیاه و گچ چیز دیگری وجود نداشت، و وسایل و امکانات آموزشی موجود بیشتر در شهرها و مراکز ولایات به خصوص در مکاتب ابتدایی شهر کابل قرار داشت، امّا در دهات و قصبات و مناطق دور دست روستایی وضعیت چنین نبود؛ بلکه بسیاری از فضاهای آموزشی روستاها و قصبات را، مساجد تشکیل می‌دادند و

در فضای مساجد از امکانات و تجهیزات آموزشی ابتدایی خبری نبود. ولی در مناطقی‌که مدرسه و فضای آموزشی جداگانه وجود داشت، میز و صندلی و غیره توسط اولیاء شاگردان تهیه می‌گردید و در تمام این سال‌ها به خصوص «در میان سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۹ معاش معلمان به صورت معمولی توسط کمک‌های والدین دانش‌آموزان تأمین می‌شدند. بعضی مواقع وزارت معارف متون درسی، مواد نگارشی و میزها را تهیه می‌کرد، اما ظاهرا نه وزارت معارف و نه روحانیون برنامه‌ی آموزشی به خصوصی نداشته است» (گریگوریان، همان: ٤٣٤).

هـ) فضاهای آموزشی

در زمان حبیب‌الله خان به غیر از لیسه‌ی حبیبیه، شش شاخة ابتدایی این لیسه «در سایر نقاط (مختلف) شهر کابل به نام‌های مکتب ابتدایی باغ نواب، تنورسازی، خافی‌ها، پرانچه‌ها، مکتب خدام حضور عالی و مکتب هنود موجود بود» (غبار، همان: ۷۰۲). هم‌چنین دولت شش مکتب ابتدایی در مناطق مختلف نورستان برای تدریس دینیات تاسیس کرد. «این مکاتب در قریه‌های یشمل، شکیایی، وایگل، قلعه‌شاهی و کاشمندی تاسیس گردید» (همان).

در دوره‌ی سلطنت امان‌الله خان «مکاتب رشدی غازی، رشدیة استقلال، تلگراف، رسامی، نجاری، معماری، السنه، زراعت، دارالعلوم عربی، رشدیه‌ی مستورات، رشدیه‌ی جلال‌آباد، زراعت، رشدیه‌ی قندهار، رشدیه‌ی هرات، رشدیه‌ی قطغن، مکتب پلیس، موزیک، قالین‌بافی، آرچتکت، تدبیر منزل‌زنانه، مکتب طبیه، مستورات، و بیشتر از ۳۲۲ باب مکتب ابتدایی در تمام ولایات کشور باز شد» (همان: ۷۹۲ - ۷۹۳). البته در مکاتب رشدیه مقطع ابتدایی نیز وجود داشته است و به همین دلیل از مکاتب رشدیه نیز نام برده شده است.

۱. مکاتب ابتدایی در نیمه اول سلطنت ظاهرشاه

در زمان نادرشاه مشکلات زیادی فراروی معارف وجود داشت، که بسیاری از مکاتب ابتدایی در حال تعطیل باقی ماند. ولی در دوران سلطنت ظاهرشاه، و در آخرین سال صدارت هاشم‌خان (۱۳۲٤.ش) در سراسر افغانستان ۳٤٦ مکتب ابتدایی وجود داشت، که چندان تفاوتی با دوران سلطنت امان‌الله خان نداشته است. (رسول، رهین، همان: ۳۹۷ و فرهنگ، همان: ۷۰۷). و در فاصله بیست سال؛ «یعنی در سال ۱۳۲٤ تعداد مدارس رسمی از ۳۲۲ باب به ۳۳٤ و یا ۳٤٦ باب ارتقاء می‌یابد. بر فرض این‌که از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ دیگر مکتبی احداث نشده باشد، در

طول حکمروایی نادر و حتی دوره اولیة حکومت ظاهر شاه در ظرف هیجده سال فقط ۲٤ مکتب جدید تأسیس شده است» (دولت‌آبادی، شناسنامه افغانستان: ٤٧٢، ۱۳۸۳).

بعد از برکناری هاشم خان از سمت نخست‌وزیری، شاه محمودخان به حیث صدراعظم افغانستان معرفی گردید، تعلیم و تربیت ابتدایی تا حدودی رونق گرفت و مکاتب ابتدایی بیشتری در نقاط مختلف افغانستان تأسیس گردید. در سال ۱۳۲٦.ش نوع دیگری از آموزش ابتدایی بنام مکتب دهاتی[٤] وارد سیستم آموزشی افغانستان گردید که در مناطق روستایی و دور افتاده تأسیس شد.

۱ ـ ۱. مکتب دهاتی

«مکاتب دهاتی برای اولین مرتبه در سال۱۳۲۸ در نقاط مختلف هزارجات و بعدها در سایر نقاط کشور نیز افتتاح گردید. جهت افتتاح صنف اول دهاتی لازم است که حداقل ده نفر و حداکثر ۲۵ نفر باشد، برای کمتر از ده نفر صنف اول تشکیل نمی‌شود، به وجود آمد» (معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۱۰۲). با توجه به اینکه در افغانستان، مناطق کوهستانی، صعب‌العبور و دور دست زیادی وجود دارند و چنین مناطق با محرومیت‌های زیادی رو به رو بوده است، دولت مرکزی برای مناطق مزبور مکاتب دهاتی ثابت در نظر گرفتند. از سوی دیگر در این کشور افراد و گروه‌های کوچی زیادی از قبایل پشتون در حال گشت و گزار هستند و همیشه در مناطق مختلف افغانستان به صورت قانونی و غیر قانونی در حال رفت و آمد می‌باشند، و دولت برای این دسته از ساکنان افغانستان مکاتب دهاتی سیار در نظر گرفتند که از جهات مختلف به جز زبان آموزشی، شبیه به مکتب دهاتی ثابت بودند.

الف) مکتب دهاتی ثابت

این مکتب همان‌طوری که از نامش پیداست در مناطق روستایی دور افتاده تاسیس گردید. «دوره تعلیمات مکاتب دهاتی سه سال بوده و یک کتاب مخصوص که به همین غرض به نام کتاب اول، دوم و سوم دهاتی ذریعه‌ای اشخاص با تجربه و سابقه دار معارف تالیف و به فارسی و پشتو طبع شده به دسترس طلاب گذاشته می‌شود. علاوتا در صنوف دوم و سوم یک جلد ربع جزء پاره عم شریف، که توأم با رساله بغدادی می‌باشد به طلاب توزیع می‌شود. این کتاب‌ها ساده و پروگرام آن با محیط روستایی مطابقت می‌کند» (همان: ۱۰۳). «این مکتب سه‌ساله و کتب آن

خیلی بسیط بوده و منحصر به اعطای معلومات دینی، سواد، خط و معلومات اولیه‌ای حیاتی بوده است و همه آن‌ها در یک جلد است» (معارف افغانستان در نیم قرن اخیر (۱۲۸۵ ـ ۱۳۳۵): ۱۳).

«برای شاگردان بعد از فراغت صنف سوم سند فراغت تحصیل سه ساله مکاتب دهاتی داده می‌شود. به کسانی که بخواهند اطفال‌شان بعد از طی تعلیمات سه‌ساله داخل حیات عملی گردیده به اولیای خود معاونت نمایند، اجازه داده می‌شود. اولیاء که خواسته باشند اطفال آنها از معلومات مزید مستفید گردند، می‌توانند اطفال خود را به صنف چهارم مکتب ابتدایی، قریب محل اقامت خویش داخل نمایند. که صنف‌های چهارم، پنجم و ششم را طبق پروگرام رسمی مکاتب ابتدایی به انجام برسانند» (معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۱۰۳).

یادآوری این نکته ضروری است که مکاتب دهاتی به مرور زمان به سه نوع مختلف تغییر شکل داد. مکتب دهاتی سه صنفی، که به وسیلهٔ یک معلم اداره و تدریس می‌گردید، مکتب دهاتی چهار صنفی، که توسط دو نفر معلم اداره می‌شد، و اداره‌ی مکتب دهاتی پنج صنفی بر عهدهٔ سه آموزگار و معلم بود.[۵] بنابراین، اساس و پایه‌ی این نوعی از مکتب، سه صنف بوده است، و به مرور زمان هر صنفی که بر آن افزوده می‌شده است، یک معلم نیز افزایش می‌یافته است.

ب) مکتب دهاتی سیار

این مکتب برای کوچی‌ها (عشایر) کشور در نظر گرفته شده بود، و «اولین مکتب دهاتی سیار (در سال۱۳۳۲.ش) در منطقه‌ی رودات ولایت ننگرهار دایر گردید. این مکتب در زمستان در این قریه دایر است، ولی در فصل تابستان در ولایت کابل در دره‌ای قره دشمن با قوم هزاربز انتقال می‌کند» (کامگار، همان: ۵۳ و معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر: ۱۰٤). البته ناگفته نماند که تعلیم و تربیت در میان کوچی‌های افغانستان در حد بسیار پائین بوده است که می‌توان از آن در حد صفر یاد کرد. متأسفانه این روند تا هنوز در کشور وجود دارد و به آموزش و پرورش کوچی‌های افغانستان سروسامان داده نشده است. لذا یکی از دلایلی که قتل، خشونت، عدم‌توجه به مزارع و کشتزارهای مردمان بومی و عدم‌توجه به اموال و دارایی دیگران و بسیاری از ناهنجاری‌های دیگری که در میان کوچی‌های افغانستان وجود دارد، به دلیل فقر فرهنگی و بی‌سوادی آنان است.

۲. مکاتب ابتدایی در نیمه دوم سلطنت ظاهرشاه

در پایان دوره‌ی صدارت شاه محمودخان در افغانستان (۱۳۳۲) در حدود ٦١٥ مکتب ابتدایی (اساسی و دهاتی) در کشور وجود داشته است، که نسبت به دوره‌ی صدارت هاشم‌خان از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بوده است. با رفتن شاه محمود و آمدن سردار محمد داود وضعیت تعلیم و تربیت ابتدایی با پیشرفت رو به رو گردید، و در طول سه پلان پنج ساله که تا پایان دوران دموکراسی ادامه داشته، با آهنگ رشد همراه بوده است، به خصوص این مسأله در برنامه‌ی پنج سالهٔ اول بیش‌تر نمایان بوده است که اختصاص به توسعه و انکشاف تعلیم و تربیت ابتدایی داشت.

تعداد مکاتب دهاتی و ابتدایی در دوران دو پلان پنج‌ساله اول که از آهنگ رشد کمّی برخوردار بوده است، (از سال ۱۳۳۵ تا سال ١٣٤٦) این گونه بوده است (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی سال ١٣٤٧، جدول شماره ۲).

مکتب	پ / د	۱۳۳۵	١٣٤٠	١٣٤١	١٣٤٢	١٣٤٣	١٣٤٤	١٣٤٥	١٣٤٦
دهاتی	پسر	٣٨٤	٦١٣	٧١٢	٨٥٥	٩٠٥	١٠٥٠	١١٦٠	١٢٦٤
دهاتی	دختر	-	١٥	١٧	١٣٤	١٤٧	١٦٣	١٦٠	١٨٠
ابتدایی	پسر	٢١٨	٤٦٥	٤٦٩	٤٨٦	٥٤١	٥٧٤	٦٣٧	٧١٣
ابتدایی	دختر	٢٠	٢٨	٢٣	٨٣	٩٠	٩٢	١٠٣	١١١
مجموع	مجموع	٦٢٢	١١٢١	١٢٢١	١٥٥٨	١٦٨٣	١٨٧٩	٢٠٦٠	٢٢٦٨

در طول سال‌های ١٣٤٧ تا سال ١٣٤٩ (پلان پنج ساله‌ی سوم) رشد و پیشرفت مکاتب دهاتی و ابتدایی کاهش نیافت و با همان روند سابق ادامه یافت که شمار آن در جدول زیر ارائه می‌شود (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی سال ١٣٤٩).

مکاتب	پسر / دختر	١٣٤٧	١٣٤٨	١٣٤٩
دهاتی	پسرانه	١٢٠٦	١٥٧١	١٦٢١
دهاتی	دخترانه	١٥٣	٢٣٦	٢٣١
ابتدایی	پسرانه	٨١٦	٨٩٤	١٠٣٠
ابتدایی	دخترانه	١١٣	١٤٧	١٦٦

مجموع	مجموع	۲۲۸۸	۲۸٤۸	۳۰٤۸

در طول دوران صدارت سردار محمد داود خان (ده سال) و در دهه‌ی دموکراسی (ده سال)، یعنی در مدت بیست سال تعداد مکاتب ابتدایی و دهاتی به ۳۳۰۹ باب افزایش یافت، که از این تعداد ۲۰۹٦ مکتب دهاتی، و ۱۲۱۳ مکتب ابتدایی اساسی بوده است.

ساخت و تأسیس مکاتب ابتدایی در دوره‌ی ریاست جمهوری سردار محمد داود خان نیز از رشد و توسعهٔ بیش‌تری برخوردار گردید. در سال ۱۳۵۵، شمار مکاتب ابتدایی به ۱۵۱۷ مکتب رسید. و تعداد مکاتب دهاتی به ۱۹۱۲ مکتب کاهش یافت (فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۳: ٦۲، ۱۳۸۰). دلیل کاهش یافتن مکاتب دهاتی در زمان ریاست جمهوری سردار محمد داود خان، ارتقا یافتن برخی از مکاتب دهاتی به مکتب ابتدایی بوده است.

باتوجه به اینکه در دوره‌ی ریاست جمهوری سردار محمدداودخان سیستم آموزشی مقطع ابتدایی دچار تغییرات اساسی گشت و به یک دوره‌ی هشت ساله ارتقا یافت، بازهم ساخت و ساز مکاتب ابتدایی در افغانستان با رشد و پیشرفت همراه بوده است.

و) منابع مالی

از روزی‌که تعلیم و تربیت جدید در افغانستان زاییده شده است تا هنوز نیازمند کمک‌ها و مساعدت‌های مالی کشورها و مؤسسات خارجی بوده است. کمیت و کیفیت منابع مالی و بودجه‌ی نظام تعلیم و تربیت افغانستان، بستگی به اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت افغانستان در حوزه‌ی معارف جدید داشته است. بودجه‌ی معارف رسمی افغانستان در زمان حبیب‌الله‌خان صد و اندی هزار روپیه بوده است. به گفته‌ی مرحوم غبار: «این معارف کوچک ملکی و آن‌هم در پایتخت (به استثنای بودجه‌ی مکتب حربیه و شعب آن) یک بودجه‌ی مختصر صد و چند هزار روپیه‌گی داشت» (غبار، همان: ۷۰۲).

بودجه‌ی معارف افغانستان در دوره‌ی سلطنت امان‌الله‌خان، بعد از بودجه‌ی وزارت دفاع و وزارت دربار در رتبه‌ی سوم قرار داشت. «بودجه‌ی معارف افغانستان نیز بعد از بودجه‌ی وزارت حرب و وزارت دربار به درجه‌ی سوم قرار گرفت» (غبار، همان: ۷۹۳ و رسول رهین، همان: ۲۲۸). بودجه‌ی وزارت حربیه ٤۰ میلیون، بودجه‌ی وزارت دربار ۲۰ میلیون و بودجه‌ی وزارت معارف ۱۵ میلیون روپیه بوده است (غبار، همان: ۷۹۲). حال آنکه بودجه‌های وزارت داخله ۱۲ میلیون و وزارت‌خارجه ۷ میلیون، و پایین‌ترین بودجه از آن وزارت مالیه بود، که ۲ میلیون بوده

است (همان).

در دوره‌ی سلطنت نادرشاه مشکلات زیادی وجود داشت. از یکسو مشکلات اقتصادی، و از سوی دیگر بیش از دو میلیون کوچی(عشایر)[۶] از قبایل مختلف پشتون در افغانستان سرازیر شده بود. در چنین فضایی برای انکشاف و توسعه‌ی معارف کشور بودجه‌ی مشخص و قابل‌توجهی اختصاص داده نشده است.

در آغاز دوران سلطنت ظاهرشاه بیشترین بودجه‌ی معارف افغانستان در جهت تقویت، رسمیت و قانون‌مند کردن زبان پشتو اختصاص یافته بود، که مقدار و اندازه‌ای آن در هیچ یک از منابع تاریخی ذکر نشده است. ولی بیشترین بودجه‌ای که برای تعلیم و تربیت ابتدایی کشور اختصاص داده شد، در برنامه‌های پنج ساله‌ای بود که در زمان صدارت سردار محمدداودخان اعلان گردید.

همان‌گونه که اشاره شد برنامه‌ی پنج ساله اول در مورد معارف جدید، اختصاص به تعلیم و تربیت ابتدایی داشته است و بودجه‌ی معارف در اجرای پلان پنج ساله‌ی اول ۹۵۸ میلیون افغانی بوده است.

باتوجه به این‌که بودجه‌ی وزارت‌خانه‌های معارف و صحت (بهداشت) به صورت مشترک لحاظ می‌گردید، و از مجموع ۱۲۰۶/۹ میلیون افغانی که در حدود ۱۲درصد کل مصارف دولت را در بر می‌گرفت. بودجه‌ای که برای وزارت‌خانه‌های تعلیم و تربیت و صحت (بهداشت) در نظر گرفته شده بود، ۹۵۸ میلیون افغانی آن به وزارت معارف اختصاص یافته بود. این در حالی بود که بودجه‌ی وزارت معارف چند برابر بیش‌تر از وزارت صحیه (بهداشت) بوده است.

جدول زیر بودجه‌ی وزارت معارف و وزارت صحیه (بهداشت) را در خلال سال‌های ۱۳۳۵ ـ ۱۳۴۰ نشان می‌دهد (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی (۱۳۳۵ ـ ۱۳۴۰): ۱۰۴ـ ۱۰۵).

وزارت	۱۳۳۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	در مجموع
معارف و صحیه	۱۵۰/۱ میلیون	۱۷۵/۱ میلیون	۱۹۳/٤ میلیون	۲٦۱/٦ میلیون	٤۲٦/۹ میلیون	۱۲۰٦/۹ میلیون

دومین پلان پنج سالهٔ دولت در سال ۱۳٤۱ شروع شد. در این پلان مصرف مجموعی۳۱،۳

میلیارد افغانی مدنظر گرفته شده بود، که از این مقدار پول ۱۱،۲ درصد آن به بخش معارف و صحت عامه اختصاص یافته بود که قسمت بیشتر آن (۱۷۵۹ میلیون افغانی) به معارف اختصاص داشته است (وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی ۱۳٤٦، جدول شماره ۲). هدف از دومین پلان پنج ساله‌ی دولت افغانستان در زمان سلطنت ظاهرشاه رشد و توسعه‌ی مکاتب ثانوی، تخنیکی و تحصیلات عالی بوده است.

گرچند سردار محمدداودخان یک سال بعد از اجرای پلان پنج سالة دوم از مقام صدارت کنار رفت؛ و برنامه‌های اصلاحی هم‌چنان تا پایان برنامه‌ی پنج ساله‌ی دوم (۱۳٤٦) ادامه یافت و بعد از آن پلان پنج سالة سوم آغاز شد، و بخش قابل‌توجهی از پلان‌های پنج‌ساله دوم و تمام برنامه‌ی پنج سالة سوم، در دوران دموکراسی (قانون اساسی) عملیاتی گردید.

در دوره‌ی ریاست جمهوری سردارمحمد داود خان (۱۳۵۵) پلان هفت ساله‌ی انکشافی برنامه‌ریزی شد، که رشد و پیشرفت معارف یکی از بخش‌های مهم این پلان بود. بودجه‌ی پیش‌بینی شده در این پلان ۲۰۷ میلیارد افغانی معادل چهار میلیارد و ششصد میلیون دلار بوده است که از مجموع بودجه‌ی انکشافی پیش‌بینی شده در پلان مورد نظر، ده درصد آن برای گسترش و توسعه‌ی معارف اختصاص یافته بود (اندیشمند، سایت پیمان‌ملی، ۱۳۸۷/۷/۲۱).

پی نوشت

.....

[۱] ـ نورستان منطقه‌ای دور افتاده در شمال شرق افغانستان است، که در زمان عبدالرحمن‌خان به کافرستان معروف بوده است. این منطقه به وسیلهٔ امیر عبدالرحمن فتح شد و بعدا شش‌تا مکتب ابتدایی با رویکرد دینی در آنجا افتتاح گردید. (نویسنده)

[۲] . قانون اجباری و همگانی تعلیمات ابتدایی تصویب و اعلان شده بود و بر اساس این قانون تمام فرزندان اقوام و قبایل مختلف افغانستان حق تحصیل در مکاتب ابتدایی را داشتند. ولی در عمل این گونه نبود؛ بلکه در فضای معارف کشور تعصب و دلبستگی شدیدی نسبت به گروه خاصی از قوم حاکم وجود داشت و سایر اقوام از امتیازات معارف افغانستان محروم بودند.

[۳] . در تمام مناطق روستایی افغانستان مرسوم است که هر منطقه (روستا) یک مسجد دارد و در آن مسجد یک روحانی یا مولوی به وظایف دینی مردم آن روستا رسیدگی می‌نماید. این روحانی یا مولوی در عین حال به آموزش کودکان به خصوص در فصل زمستان نیز می‌پردازد، و بر اساس گویش‌هایی که در روستاها و محلات مختلف افغانستان وجود دارند به چنین شخصی ملاامام، ملا، ملای مکتب، آخوند صاحب، مولوی، مولوی صاحب و آخوند مکتب نیز می‌گویند.

[۴] مکتب دهاتی نوعی از آموزش ابتدایی بسیار سطح پائین بوده است که هدف از تاسیس آن آموزش کودکان دهاتی است که تا پنج کیلومتر از مکتب ابتدایی اساسی فاصله داشته‌اند. به عبارت دیگر «مکاتب دهاتی در حصص دور دست که در آن نفوس متفرق یا کم است و مکاتب ابتدایی در دسترس کودکان محلی نمی‌باشد، تاسیس یافته است. این مکاتب دوره سه ساله، چهار ساله و پنج ساله داشته و فارغان آن‌ها به حیث متعلمان صنف‌های چهارم، پنجم و ششم به مکاتب ابتدایی قبول می‌شوند؛ به شرط آن که کلان (بزرگ) سن (سال) نباشند» (پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی (۱۳۳۵ ـ ۱۳۴۰)، ص ۷۲).

[۵] . در بعضی منابع تاریخی از مکتب دهاتی شش صنفی دارای چهار معلم نیز یاد شده است که ظاهرا در برخی مناطق افغانستان وجود داشته است.

[۶] . میانگین جمعیت افغانستان در زمان سلطنت نادرشاه بین ۹ تا ۱۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. حالا این جمعیت دو میلیونی کوچی (از قوم پشتون) در شرایطی که افغانستان با مشکلات مالی و اقتصادی رو به رو بوده است، از کجا آمده است؟ ولی این مسأله کاملا روشن است که سرازیر شدن کوچی‌ها در چنین اوضاع و احوالی جزء سیاست‌های اصلی دولت مرکزی بوده است که نمونه‌های آن در تاریخ افغانستان زیاد اتفاق افتاده است.

کتابنامه

اساسی قانون، کابل، ۱۳٤۳.

آذرنوش، آذرتوش، **فرهنگ معاصر فارسی ـ عربی** (چاپ یازدهم)، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.

پاینده، محمد زهیر، علمی، محمد یوسف، **دافغانستان دمعارف تاریخ**، لومری برخه، کابل: مطبعه معارف، ۱۳۳۹.

حق شناس، علی‌محمد، سامعی، حسین، انتخابی، نرگس، **فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی ـ فارسی** (چاپ ششم)، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.

دمعارف قانون، مصوب سال۱۳٤۷.

دولت‌آبادی، بصیراحمد، **شناسنامه افغانستان**، تهران: نشر عرفان (ابراهیم شریعتی)، ۱۳۸۳.

دولتی مطبعه، **سالنامه افغانستان، شماره٤۱**، کابل: دولتی مطبعه، ۵۳ ـ ۱۳۵٤.

دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۳.

رهین، رسول، **تاریخ مطبوعات افغانستان** (از شمس النهار تا جمهوریت) ج ۱، (چاپ دوم) کابل: بنگاه انتشاراتی میوند، ۱۳۸۷.

ریاست پلان وزارت معارف، **معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر** (به مناسبت پنجاهمین سالگرد استرداد استقلال کشور)، کابل: ریاست پلان وزارت معارف، ۱۳٤۷.

سیف، علی‌اکبر، **روان‌شناسی‌پرورشی** (چاپ‌سیزدهم)، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸٤.

علاقه بند، علی، **مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی** (ویراست پنجم)، تهران: نشر روان، ۱۳۸۵.

عمید، حسن، **فرهنگ فارسی‌عمید** (چاپ بیست و هفتم)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸٦.

غبار، میر غلام محمد، **افغانستان در مسیر تاریخ** (چاپ ششم)، تهران: انتشارات جمهوری، ۱۳۷٤.

کامگار، جمیل الرحمن، **تاریخ معارف افغانستان** (چاپ دوم)، کابل: انتشارات میوند، ۱۳۸۷.

گریگوریان، وارتان، **ظهور افغانستان نوین**، ترجمه: علی، عالمی کرمانی، تهران: نشر معارف، ۱۳۸۸.

مجلس عالی، **نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان**، کابل: مطبع دائرة تحریرات مجلس عالی ۱۳۰۲.

مشایخ، فریده، **دیدگاههای نو در برنامه‌ریزی آموزشی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت) ۱۳۷۹.

مطبعه عمومی، **سالنامه افغانستان**، کابل: دولتی مطبعه، ۱۳۳۵ و ۱۳۵٤.

مطبعه عمومی، **سالنامه کابل، شماره ۹**، کابل: مطبعه عمومی، سال ۱۳۱۹ .

معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.

ملکی، حسن، **برنامه‌ریزی درسی**، مشهد: انتشارات پیام اندیشه، ۱۳۸٤.

موسسه طبع کتب دولتی، **افغانستان در پنجاه سال اخیر** ، کابل: موسسه طبع کتب دولتی، ۱۳٤۷.

موسسه طبع کتب دولتی، **افغانستان در پنجاه سال اخیر**، کابل: موسسه طبع کتب دولتی، ۱۳٤۷.

میرزاده، عبدالکریم و دیگران، **تاریخ تعلیم و تربیت در افغانستان از (۱۳۵۷ ـ ۱۳٦۷)**، کابل: ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب وزارت تعلیم و تربیه، ۱۳۷۹.

ننگیال، **اسناد تاریخی افغانستان**، پاکستان: پیشاور، ۱۳٦٦.

وزارت پلان، **پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی** (۱۳۳۵ ـ ۱۳٤۰)، کابل: محل نشر، ریاست احصائیه و تتبعات وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی ۱۳٤۱.

وزارت پلان، **پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی** (۱۳٤٦)، کابل: محل نشر، ریاست احصائیه و تتبعات وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی ۱۳٤۷.

وزارت پلان، **پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی** (۱۳٤۹)، کابل: محل نشر، ریاست احصائیه و تتبعات وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی ۱۳۵۰.

وزارت پلان، **پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی** (۱۳۵۰)، کابل: محل نشر، ریاست احصائیه و تتبعات وزارت پلان، پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی ۱۳۵۱.

وزارت پلان، **مسوده سومین پلان پنجساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان (۱۳٤٦ - ۱۳۵۰)**، کابل: محل نشر، ریاست احصائیه و تتبعات وزارت پلان، ۱۳٤٦.

www.goftaman.com

www.paymanemli.com

www.sarnavesht.com